ادغام موفق در اقتصاد جهانی

ایلداری، سهیل

آسیا یکی از بخش‏های بسیار مهم اقتصاد جهان است‏ و به سه اقتصاد بزرگ خود یعنی چین،ژاپن و هند،که در میان 10 اقتصاد برتر جهان قرار دارند،مباهات می‏کند. قاره آسیا در مجموع 35 درصد کل تولید ناخالص داخلی‏ جهان را در اختیار دارد.

سهم قاره آسیا به شکرانه پویایی اقتصادی این قاره از تولید ناخالص داخلی جهان‏رو به افزایش است.در حقیقت،اقتصاد منطقه از رکود اقتصادی ناشی از بحران‏ مالی آسیا طی سال‏های 98-1997 به طور کامل رهایی‏ یافته است.کنون از سریعترین میزان رشد اقتصادی‏ جهان برخوردار است؛طوری که می‏توان گفت 50 درصد رشد اقتصادی جهان منوط به رشد اقتصادی‏ آسیاست.

سهم آسیا از تولید ناخالص داخلی جهان در سال 2005 از سهم اتحادیه اروپا و ایالات متحده فراتر رفته است

موفقعیت آسیا در این زمینه نشان دهنده ادغام موفقیت‏ آمیز این قاره در اقتصاد جهانی است.فناوری اطلاعات‏ ( lT )،جز دوران رکود آن در حول و حوش سال 2001،در حال شکوفایی است و سهم آن از صادرات جهان به طور دائم افزایش می‏یابد؛به گونه‏ای که اکنون این سهم به‏ حدود 27 درصد رسیده است.تجارت میان منطقه‏ای‏ نیز همچنان سیر صعودی دارد و میزان صادرات،با وجود کاهش عمومی تقاضای داخلی،دو برابر افزایش‏ یافته است.علت این امر افزایش چشمگیر در مازاد حساب جاری است.البته اگر چین را از این روند کنار بگذاریم مازاد قاره آسیا کاهش نشان می‏دهد.

در بعضی موارد،تقاضای داخلی نیز بهبود یافته است.

در نقطه مقابل،مازاد حساب جاری چین در سال 2005 قاره آسیا از لحاظ رشد اقتصادی در جهان پیشتاز است

در سایه صادراتی قدرتمند به حدود 7 درصد تولید ناخالص داخلی رسیده است،اما اگر باز هم چین را مستثنی کنیم،مازاد قاره آسیا در این عرصه نیز کاهش‏ می‏یابد.

قاره بزرگ آسیا اکنون در بازارهای سرمایه جهان ادغام‏ شده است؛به گونه‏ای که نزدیک به 40 درصد جریان‏ سرمایه بخش خصوصی به سمت بازارهای نو ظهور این‏ قاره سرازیر می‏شود.دو سوم این جریان سرمایه به سمت‏ سهام بخش خصوصی قاره سرازیر گشته و از سرمایه‏ گذاری مستقیم خارجی حاصل می‏شود.این جریانات‏ سرمایه موجبات تلفیق مازاد حساب جاری منطقه را فراهم می‏آورد و سبب می‏شود حجم وسیعی از ذخایر ارزی جهان متعلق به کشورهای این منطقه باشد.

همان گونه که صادرات آسیا سیر صعودی دارد،این قاره با مازاد حساب جاری‏ نیز روبروست.

در خلال چند سال گذشته،ذخایر ارزی کشورهای منطقه به وضوح افزایش یافته است

آسیا نیازمند آن است تا ذخایر ارزی خود را در داخل به کار گیرد

انعطاف پذیری رژیم‏های ارزی به نحو چشمگیری در سطح منطقه(به جز چین،هنگ کنگ و مالزی)در حال‏ افزایش است.گرچه موج قوی جریان‏های سرمایه در سال 2003 منجر به افزایش قایل توجه ذخایر ارزی شد، ولی موج‏های اخیر سبب کندی تجمیع ذخایر ارزی و جابجایی بیشتر آن‏ها شده است.

در سال‏های پیش‏رو،قاره آسیا انتظار دارد به برکت‏ اگر چین را کنار بگذاریم مازاد منطقه آسیا کاهش می‏یابد به ویژه به دلیل‏ قیمتهای بالای نفت.

اگر چین را کنار بگذاریم ذخایر ارزی آسیا از سال 2004 کاهش یافته

اکنون افراد سالخورده و هزینه‏های مربوط به آنان چالشهایی را به‏ این کشورها تحمیل کرده است

رشد بسیار سریع چین سهم بیشتری از اقتصاد جهان را به خود اختصاص دهد.چالش پیش روی آسیا،تقویت‏ تقاضای داخلی به واسطه از سرگیری مجدد سرمایه‏گذاری در اقتصادهای نو ظهور آسیا و افزایش‏ سطح مصرف در چین است.

انتظار می‏رود در قاره آسیا نسبت افراد سالخورده در مقایسه با سایر مناطق افزایش یابد.این امر به ویژه در ژاپن‏ مصداق خواهد داشت.جایی که در مجموع،جمعیت‏ اکنون به وضوح در حال کاهش است.

افزایش تعداد افراد سالخورده موجب کاهش بالقوه‏ رشد تولید ناخالص داخلی شده است و هزینه‏های مالی‏ بسیاری را به اقتصاد ملی تحمیل می‏کند؛زیرا هزینه‏هایی‏ همچون پرداخت‏های مستمری بگیران و مراقبت‏های‏ بهداشتی در حال افزایش است.